

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تعهدنامه‌ی اصالت اثر و رعایت حقوق دانشگاه

تمامی حقوق مادّی و معنوی مترتب بر نتایج، ابتکارات، اختراعات و نوآوری‌های ناشی از انجام این پژوهش، متعلق به **دانشگاه محقق اردبیلی** می‌باشد. نقل مطلب از این اثر، با رعایت مقرّرات مربوطه و با ذکر نام دانشگاه محقق اردبیلی، نام استاد راهنما و دانشجو بلامانع است.

اینجانب **سیده محدثه روحی پور** دانش‌آموخته‌ی مقطع کارشناسی ارشد رشته‌ی **زبان و ادبیات فارسی** گرایش محض دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه محقق اردبیلی به شماره‌ی دانشجویی ۹۰۱۱۶۳۱۰۴ که در تاریخ ۹۲/۱۲/۱۰ از پایان‌نامه‌ی تحصیلی خود تحت عنوان **بررسی و مقایسه‌ی فرم و محتوای غزلیات سعدی شیرازی و هوشنگ ابتهاج (سایه)** دفاع نموده‌ام، متعهد می‌شوم که:

- این پایان‌نامه را قبلاً برای دریافت هیچ‌گونه مدرک تحصیلی یا به عنوان هرگونه فعالیت پژوهشی در سایر دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی و پژوهشی داخل و خارج از کشور ارائه ننموده‌ام.
- مسئولیت صحت و سقم تمامی مندرجات پایان‌نامه‌ی تحصیلی خود را بر عهده می‌گیرم.
- این پایان‌نامه، حاصل پژوهش انجام شده توسط اینجانب می‌باشد.
- در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران استفاده نموده‌ام، مطابق ضوابط و مقرّرات مربوطه و با رعایت اصل امانتداری علمی، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در متن و فهرست منابع و مأخذ ذکر نموده‌ام.
- چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده یا هرگونه بهره‌برداری اعم از نشر کتاب، ثبت اختراع و ... از این پایان‌نامه را داشته باشم، از حوزه‌ی معاونت پژوهشی و فناوری دانشگاه محقق اردبیلی، مجوزهای لازم را اخذ نمایم.
- در صورت ارائه‌ی مقاله‌ی مستخرج از این پایان‌نامه در همایش‌ها، کنفرانس‌ها، سمینارها، گردهمایی‌ها و انواع مجلات، نام دانشگاه محقق اردبیلی را در کنار نام نویسندگان (دانشجو و اساتید راهنما و مشاور) ذکر نمایم.
- چنانچه در هر مقطع زمانی، خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن (منجمله ابطال مدرک تحصیلی، طرح شکایت توسط دانشگاه و ...) را می‌پذیرم و دانشگاه محقق اردبیلی را مجاز می‌دانم با اینجانب مطابق ضوابط و مقرّرات مربوطه رفتار نماید.

نام و نام خانوادگی دانشجو: سیده محدثه روحی پور

امضا

تاریخ



دانشکده‌ی علوم انسانی
گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان‌نامه برای دریافت درجه‌ی کارشناسی ارشد
در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی گرایش محض

عنوان:

بررسی و مقایسه‌ی فرم و محتوای غزلیات سعدی شیرازی و هوشنگ ابتهاج (سایه)

استاد راهنما:

دکتر رامین محرمی

استاد مشاور:

دکتر شکرالله پورالخاص

پژوهشگر:

سیده محدثه روحی پور

زمستان ۱۳۹۲



دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی
گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی

پایان‌نامه برای دریافت درجه‌ی کارشناسی ارشد
در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی گرایش محض

عنوان:

بررسی و مقایسه‌ی فرم و محتوای غزلیات سعدی شیرازی و هوشنگ ابتهاج (سایه)

پژوهشگر:

سیده محدثه روحی پور

ارزیابی و تصویب شده‌ی کمیته‌ی داوران پایان‌نامه با درجه‌ی بسیار خوب.....

امضاء	سمت	مرتب‌ی علمی	نام و نام خانوادگی
	استاد راهنما و رئیس کمیته‌ی داوران	دانشیار	دکتر رامین محرمی
	استاد مشاور	دانشیار	دکتر شکرالله پورالخاص
	داور	دانشیار	دکتر ابراهیم رنجبر

اسفند ماه - ۱۳۹۲

پیشکش بہ:

شاہ بیت غزل زندگی ام؛

مادر م

وقافیہ بی نظیر آن؛

پدر م

از زحمات بی دریغ استاد گرانقدرم، جناب آقای دکتر رامین محرمی، که کاستی‌های این دانشجوی کم‌تجربه را، با صبوری و بزرگواری به دیده‌ی اغماض نگریسته، با راهنمایی‌های مشفقانه، مراحل مختلف نگارش پایان‌نامه را بر من آسان نمودند، سپاسگزارم. و نیز از استاد گرامی، جناب آقای دکتر شکرالله پورالخاص که با حسن ظن، مشاوره‌ی این پایان‌نامه را پذیرفتند، سپاس ویژه دارم.

هم‌چنین از سرکار خانم سیده فاطمه روحی‌پور، عمه‌ی ارجمندم، که مادرانه بی‌قراری‌های مرا در برهه‌ای از نگارش پایان‌نامه تحمل کردند، سپاس بی‌پایان دارم.

نام خانوادگی دانشجو: روحی پور	نام: سیده محدثه
عنوان پایان‌نامه: بررسی و مقایسه‌ی فرم و محتوای غزلیات سعدی شیرازی و هوشنگ ابتهاج (سایه)	
استاد راهنما: دکتر رامین محرمی استاد مشاور: دکتر شکرالله پورالخاص	
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد گرایش: محض دانشکده: علوم انسانی	رشته: زبان و ادبیات فارسی دانشگاه: محقق اردبیلی تاریخ دفاع: زمستان ۹۲ تعداد صفحات: ۱۲۴
<p>چکیده:</p> <p>غزل مهم‌ترین قالب شعر فارسی است. بسیاری از منتقدان، غزل را در انتقال مفاهیم و روح زمانه ناتوان می‌انگارند. اما سایه با استفاده از همین قالب، به یکی از موفق‌ترین شاعران معاصر تبدیل شد. سعدی نیز یکی از برجسته‌ترین شاعران قالب غزل است. ویژگی‌های مشترک شعر این دو، ما را بر آن داشت، تا با پژوهش در شیوه‌ها و شگردهای آن‌ها، به چرایی نزدیکی فرمی و محتوایی و موفقیت‌شان در این قالب پی ببریم.</p> <p>از لحاظ فرم، غزل هر دو شاعر، روایی و در اکثر موارد، از انسجام مفهومی، برخوردار است. عنصر کانونی زیبایی‌شناسی سعدی و سایه، موسیقی است. هر دو از واژه‌های خوش‌آهنگ بهره گرفته‌اند. حتی کلمات ثقیل عربی در بافت کلام سعدی روان و سلیس‌اند. درصد بالایی از غزل‌های سعدی و سایه، دارای ردیف فعلی است که سبب انتظام ارکان جمله می‌شود. با توجه به بسامد واژه‌های صبح و شب، شعر سعدی فضایی امیدوارانه و روشن و شعر سایه، فضایی نومیدانه و خاکستری دارد. پرکاربردترین وزن هر دو، «مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فعّلعن» می‌باشد که وزنی جویباری و مناسب بیان احساس و اندیشه است. سایه وزن‌های جدیدی مانند فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (تا تو با منی زمانه با من است) را آزموده و توفیق یافته است. استفاده‌ی سعدی و سایه از صور خیال، معتدلانه می‌باشد.</p> <p>محور اصلی محتوایی شعر سعدی و سایه، عشق انسانی ملموس بدون سایه‌ی روحانی غزل سنتی است. محتوای غزل سعدی: عشق، عرفان و اخلاق، و محتوای غزل سایه: عشق، دغدغه‌های اجتماعی و در معدودی از غزل‌ها، حکمت و عرفان می‌باشد. حضور «من» شخصی در غزل هر دو شاعر، بسیار کم‌رنگ است. سایه در بیان دغدغه‌های اجتماعی، از زبان نمادین بهره می‌گیرد. عرفان سایه، از اصطلاحات متصوفه به دور و تنها نوعی هستی‌گرایانه‌ی شرقی است. کوتاه سخن آن‌که، علت توفیق سعدی و سایه، توجه کانونی به کیفیات عاطفی، دغدغه‌های اجتماعی و آرمان‌های انسانی است. سعدی و سایه در استفاده از صنایع شعری متکلف نیستند. هر دو شاعر با چیرگی و تسلطی که بر زبان و شگردهای شعری دارند، از امکانات زبان برای عرضه‌ی معنای مورد نظر خود استفاده می‌کنند. اما برتری شعر ایشان، در صداقت عاطفی و کیفیت اندیشه‌ای است که به مخاطب عرضه می‌کنند.</p>	
کلید واژه‌ها: ابتهاج، سعدی، غزل، فرم، محتوا	

فهرست مطالب

شماره و عنوان مطالب	صفحه
فصل اول: کلیات پژوهش.....	
۱-۱ مقدمه.....	۱
۲-۱ بیان مسأله.....	۲
۳-۱ سؤالات اصلی پژوهش.....	۳
۴-۱ فرضیات پژوهش.....	۸
۵-۱ اهداف پژوهش.....	۸
۶-۱ ضرورت و اهمیت پژوهش.....	۹
۷-۱ پیشینه پژوهش.....	۹
۸-۱ مواد و روش‌شناسی پژوهش.....	۱۰
۱۱.....	۱۱
فصل دوم: مبانی نظری پژوهش.....	
۱-۲ صورت یا فرم.....	۱۳
۱-۱-۲ فرم بیرونی یا قالب.....	۱۴
۲-۱-۲ فرم درونی یا ذهنی.....	۱۵
۱-۲-۱-۲ زبان شعر.....	۲۳
۲-۲-۱-۲ موسیقی.....	۲۴
۱-۲-۲-۱-۲ موسیقی بیرونی یا وزن.....	۲۵
۲-۲-۲-۱-۲ موسیقی کناری یا قافیه و ردیف.....	۲۵
۳-۲-۲-۱-۲ موسیقی درونی یا صنایع بدیع لفظی.....	۲۶
۱-۲-۲-۲-۱-۲ تکرار.....	۲۷
۲-۳-۲-۲-۱-۲ واج‌آرایی یا نغمه‌ی حروف.....	۲۷
۳-۳-۲-۲-۱-۲ موازنه.....	۲۷
۴-۳-۲-۲-۱-۲ جناس.....	۲۸
۳-۲-۱-۲ صنایع معنوی.....	۲۸
۱-۳-۲-۱-۲ تناسب یا مراعات‌النظیر.....	۲۸
۲-۳-۲-۱-۲ تضاد.....	۲۹
۳-۳-۲-۱-۲ ایهام.....	۲۹
۴-۳-۲-۱-۲ تلمیح.....	۳۰

۳۱ تشبیه ۵-۳-۲-۱-۲
۳۱ استعاره ۶-۳-۲-۱-۲
۳۲ مقایسه‌ی فرم غزل‌های کهن و نو ۳-۱-۲
۳۶ محتوا ۲-۲
۳۷ مقایسه‌ی محتوای غزل‌های کهن و نو ۱-۲-۲
۳۹	فصل سوم: بحث
۴۰ فرم ۱-۳
۴۰ ۱-۱-۳ سعدی و سایه، شاعران غزلسرا.....
۴۴ فرم درونی ۲-۱-۳
۴۴ ۱-۲-۱-۳ زبان غزل سعدی و سایه.....
۴۴ ۱-۱-۲-۱-۳ گزینش واژگان و چینش ترکیبات.....
۵۱ ۲-۱-۲-۱-۳ زبان محاوره.....
۵۲ ۳-۱-۲-۱-۳ ساخت نحوی.....
۵۴ ۲-۲-۱-۳ موسیقی غزل‌های سعدی و سایه.....
۵۴ ۱-۲-۲-۱-۳ موسیقی بیرونی یا وزن.....
۶۱ ۲-۲-۲-۱-۳ موسیقی کناری یا قافیه و ردیف.....
۶۳ ۳-۲-۲-۱-۳ موسیقی درونی یا صنایع بدیع لفظی غزل‌های سعدی و سایه.....
۶۳ ۱-۳-۲-۲-۱-۳ تکرار.....
۶۴ ۲-۳-۲-۲-۱-۳ واج‌آرایی یا نغمه‌ی حروف.....
۶۷ ۳-۳-۲-۲-۱-۳ موازنه.....
۶۷ ۴-۳-۲-۲-۱-۳ جناس.....
۷۳ ۳-۲-۱-۳ صنایع معنوی غزل‌های سعدی و سایه.....
۷۳ ۱-۳-۲-۱-۳ تناسب یا مراعات‌النظیر.....
۷۴ ۲-۳-۲-۱-۳ تضاد.....
۷۵ ۳-۳-۲-۱-۳ ایهام.....
۷۷ ۴-۳-۲-۱-۳ تلمیح.....
۷۷ ۵-۳-۲-۱-۳ تشبیه.....
۸۰ ۶-۳-۲-۱-۳ استعاره.....
۸۲ ۲-۳ محتوای غزل‌های سعدی و سایه.....
۸۲ ۱-۲-۳ محتوای غزل‌های سعدی.....
۸۵ ۱-۱-۲-۳ غزل‌های عاشقانه.....
۸۶ ۲-۱-۲-۳ غزل‌های عارفانه.....

۸۶ ۳-۱-۲-۳ غزل‌های پندآموز
۸۷ ۲-۲-۳ محتوای غزل‌های سایه
۸۸ ۱-۲-۲-۳ غزل‌های عاشقانه
۹۱ ۲-۲-۲-۳ غزل‌های اجتماعی
۹۱ ۳-۲-۲-۳ غزل‌های حکمی / عرفانی
۹۲ ۳-۳ مقایسه‌ی ده غزل هم‌وزن و هم‌قافیه‌ی سعدی و سایه
۱۱۶ فصل چهارم: نتیجه‌گیری
۱۱۷ ۱-۴ نتایج پژوهش
۱۲۱ فهرست منابع و مآخذ

فهرست جدول‌ها

شماره و عنوان جدول	صفحه
جدول ۱-۳: بسامد برخی واژه‌های مشترک سعدی و سایه.....	۴۶
جدول ۲-۳: بحرهای عروضی غزل‌های سعدی و سایه.....	۵۵
جدول ۳-۳: اوزان مشترک سعدی و سایه.....	۵۶
جدول ۴-۳: اوزان غزل سعدی که سایه در آن‌ها غزلی ندارد.....	۵۷
جدول ۵-۳: اوزان غزل سایه که سعدی در آن‌ها غزلی ندارد.....	۵۸
جدول ۶-۳: بسامد انواع جناس در غزل‌های سعدی و سایه.....	۷۲
جدول ۷-۳: بسامد کاربرد آرایه‌های لفظی در غزل‌های سعدی و سایه.....	۷۳
جدول ۸-۳: بسامد صور خیال غزل‌های سعدی و سایه.....	۸۱
جدول ۹-۳: بسامد کاربرد آرایه‌های معنوی در غزل‌های سعدی و سایه.....	۸۲

فهرست شکل‌ها

شماره و عنوان شکل	صفحه
شکل ۱ - ۳: بسامد غزل‌های سعدی و سایه بر اساس تعداد ابیات.....	۴۴

فصل اول

کلیات پژوهش

۱-۱ مقدمه

بسیاری از آفریده‌هایی که در جهان هستی به آن‌ها می‌نگریم دارای نقاط یکسان و مشترکی هستند که موجد پیوند آنهاست. هریک تضادها و تمایزاتی هم دارند که عاملی برای تفاوت و تشخیص‌شان می‌گردد. دنیای ادب و هنر نیز از این اصل به دور نبوده و شعر هم که نوعی هنر بیانی است از این جریان جدا نیست. شاعران در آفرینش آثار به دنبال زیبایی و اثربخشی بر جان آدمی هستند که با ابزار زبان و تنیدن رشته‌ی کلام، آن‌چه را که در ظرفیت اندیشه‌ی بشر است بر ساحت سفید دفتر می‌نگارند. حال در این میان، زبان شاعری خشک و ثقیل نام گرفته، از آن یکی پر طنطنه و هیمنه، و دیگری آوازه‌ی سهل و ممتنعش عالمی را پر می‌نماید. این جاست که تا فردوسی شدن بسی رنج بایست کشید، برای بودن چون مولوی باید شش دفتر معنویت سرود و برای این که کسی بتواند سعدی شیرین سخن لقب گیرد و مانند او شاعری شناسا باشد باید از مرزهای فراست و توانایی سعدی و تسلطی که او در حیطه‌ی زبان دارد گذشته باشد. این همان نقطه‌ی بلندی است که بزرگان ادب و هنر را همواره در دید توجه و به مثابه‌ی پلایه‌دارانی برای پسینیان خویش قرار می‌دهد. در میان آثار ادب فارسی و مابین شاعران بزرگ تاکنون مقایسه و تحقیقات فراوانی صورت گرفته است. از خالقان موفق غزل معاصر هوشنگ ابتهاج (سایه) است که مانند بسیاری از شاعران هم‌عصرش از پیشینیان خویش بسیارها شنیده و نکته‌ها آموخته و با نگرش خلاق خویش به فراخور زمان و حال، دست به آفرینش ادبی جدیدی زده است. عنوان این پایان‌نامه «بررسی و مقایسه‌ی فرم و محتوای غزلیات سعدی شیرازی و هوشنگ ابتهاج (سایه)» است، به طور یقین این مقایسه به هیچ وجه برای نشان دادن برتری یکی بر دیگری یا اثبات پیروی مقلدانه‌ی یکی از دیگری نیست بلکه هدف، سنجش شیوه‌ی سرایش و بازتاب مشخصه‌های آن، با توجه به معیارهای لازم برای خلق اثر هنری است.

۱-۲ بیان مسأله

رایج‌ترین قالب شعر فارسی در طول تاریخ بیش از هزار ساله‌ی آن قالب غزل است. این قالب از دل قصیده بیرون آمده و رواج و روایی آن نیز بعد از دوره‌ی استیلای قصیده بر شعر فارسی است و این روند تا امروز نیز با شدت و ضعف ادامه دارد. ابیات غزل بین ۵ تا ۱۵ بیت و مصرع اول آن با مصرع‌های زوج هم‌قافیه است. غزل که قالب اصلی شعر غنایی است، دارای مضامینی چون «وصف معشوق و زیبایی، ذکر اخلاق او از قبیل نامهربانی، حال رنجوری عاشق، شکایت از روزگار، یاد خوش ایام وصال و وصف زیبایی طبیعت از قبیل باغ و بهار و ماه است» (شمیسا، ۱۳۶۲: ۲۶۹).

در تاریخ شکل‌گیری و تحول غزل، متناسب با شرایط زمانه و درونیات شاعران، این قالب محملی برای طرح مضامینی بسیار فراتر از آنچه مرسوم آن بود قرار گرفت و شاعرانی نظیر سنایی، عطار، سعدی، مولوی، حافظ، صائب، بیدل دهلوی، هوشنگ ابتهاج و... با شدت و ضعف‌هایی مضمون غالب غزل را، که عشق و متعلقات آن بوده، بهانه‌ای برای بیان دغدغه‌های عرفانی، فلسفی و اجتماعی خود قرار دادند. سنایی شاعری است که غزل را تشخص بخشید و آن را از شکل تغزل آغاز قصاد به در آورد. «سنایی نخستین شاعر غزلسرا به معنای کامل کلمه و رواج دهنده‌ی این قالب مهم در تاریخ شعر پارسی است، و به عبارت دیگر، نخستین کسی است که به غزل چونان قالبی مهم و گسترش‌پذیر نگریست» (حمیدیان، ۱۳۸۴: ۲۴).

حدود یک قرن بعد از سنایی و در قرن هفتم و هشتم بود که غزل، دوره‌ی طلایی خویش را با شاعرانی چون عطار، سعدی، مولوی و سپس حافظ از سر گذراند. پس از این دوران، شعر از نظر معنا پس رفت و در عوض صنایع لفظی و توجه به قوافی و ردیف‌های مشکل و به طور کلی ظواهر کلام جای مشخصات اصلی شعر را گرفت. پس از آن رفته رفته سبک هندی ظهور کرد. «سبک هندی با افراط در یافتن مضامین تازه و دشواری شعر، سبب به وجود آمدن دوره‌ی بازگشت شد. پس از دوره‌ی بازگشت در زمان مشروطه به مقتضای زمان، مضامین میهنی مرسوم گشت و کسانی چون عارف قزوینی و فرخی یزدی توانستند در قالب غزل اشعار میهنی بسرایند. در عصر حاضر مهم‌ترین شاخص در غزل، به وجود

آمدن سبکی تازه است، این غزل جدید که تحت تأثیر شعر نو به وجود آمده است، غزل تصویری نامیده می‌شود. در این غزل از امکانات شعر نو چه از نظر زبان و چه از نظر مضمون استفاده شده است. بعد از رواج شعر نو، کسانی چون نادرپور، توللی و سایه هنگامی که خواستند غزل بگویند (به طور کلی شعر سنتی) مقداری از عناصر شعر نو را در آن وارد کردند. آثار کسانی چون ایشان را باید حد واسط این سبک بدیع و آثار دوره‌ی بعد از بازگشت دانست» (شمیسا، ۱۳۶۲: صص ۲۰۴، ۲۰۷، ۲۰۸).

غزل سعدی در قرن هفتم نه نشانی از شور و شیدایی اغراق آمیز عارفانه‌ی مولوی دارد و نه چون غزل حافظ در فضای استعاره‌ای پیچیده‌اش به دنبال پاسخی برای دردهای بشری است. غزل سعدی بر عشق بنا می‌شود، گاهی اشاره‌ای به عرفان و تصوف در آن دیده می‌شود و از تکلف در به کارگیری آرایه‌های ادبی خالی است. صور خیال به نامرئی‌ترین شکلی در آن به کار گرفته می‌شود و موسیقی کلامش با همه‌ی زیبایی، نفوذ و تأثیرش، طمطمراق و جلوه‌فروشی‌های شعر حافظ را ندارد. خلاصه آن که زیبایی شعر او در میانه‌روی اوست.

غزل سایه بی‌تردید در سایه‌ی سنگین غزل حافظ قرار دارد. می‌توان گفت هم‌چون غزل حافظ متضمن مضامین و دغدغه‌های اجتماعی است. ولی همان‌گونه که بیان شد از ترکیبات و عناصر شعر نو بهره دارد که زبان آن را به زبان مردمان زمانه‌اش نزدیک می‌کند. همان کاری که سعدی در غزل‌هایش انجام داد. از سوی دیگر پیچیدگی تصاویر و استعاره‌های غزل سایه به شدت غزل حافظ نیست. سایه هم-چون سعدی بسیار روان و ساده از صورخیال بهره می‌برد.

سعدی غزلی دارد با مطلع:

بگذار تا مقابل روی تو بگذریم دزدیده در شمایل خوب تو بنگریم.

(سعدی، ۱۳۷۸: ۶۹۵)

این غزل با استقبال حافظ رو به رو شد:

بگذار تا ز شارع میخانه بگذریم
کز بهر جرعه‌ای همه محتاج این دریم.
(حافظ، ۱۳۸۲: ۲۶۶)

سایه نیز در استقبال غزلی با مطلع زیر سروده است:

بگذار تا از این شب دشوار بگذریم
آنکه چه مزدها که به بام سحر بریم.
(ابتهاج، ۱۳۸۹: ۲۰۲)

با نگاهی گذرا به این سه غزل تفاوت‌ها و شباهت‌های محتوایی و فرمی غزل سایه و سعدی به خوبی دیده می‌شود.

در غزل سعدی با تکیه بر لغات و ترکیباتی نظیر «شمایل خوب»، «شوق»، «جدایی»، «جور»، «نظر»، «خاک»، «شکایت»، «کمند»، «حلقه»، «صید»، «لاغر» و... عشق و همراه آن تواضع همیشگی و اغراق آمیز عاشق در برابر معشوق نمایان می‌شود؛ تا جایی که گمان می‌بریم معشوق شعر سعدی، خدای اوست.

در غزل سایه لغات و ترکیباتی نظیر «شب دشوار»، «مزده»، «سحر»، «رود رونده»، «پیمان شکن»، «بال خسته‌ی جویندگان»، «ظلمت زمانه» و «خون دل» گر چه در راستای دغدغه‌ی اجتماعی هم جنس شعر حافظ است، ولی از لحاظ سادگی و روانی به شعر سعدی نزدیک می‌شود.

در حالی که در هر سه‌ی این غزل‌ها با مضمون محوری و اصلی عشق روبه‌رو هستیم، می‌توان گفت در غزل سعدی عشق به خدا، کائنات، انسان‌ها و... دیده می‌شود ولی در شعر سایه عشق به وطن، آزادی، پیشرفت و هم‌چنین به انسان دیده می‌شود.

دیگر ویژگی بارز غزل سعدی اشعار مشهور سهل و ممتنع اوست:

گفته بودم چو بیایی غم دل با تو بگویم
چه بگویم که غم از دل برود چون تو بیایی
(سعدی، ۱۳۷۸: ۷۳۶)

سایه پس از سال‌ها، هم‌چون سعدی ابیاتی زیبا و سهل و ممتنع می‌سراید. ابیاتی ماندگار چون:

امشب به قصه‌ی دل من گوش می‌کنی فردا مرا چو قصه فراموش می‌کنی

(ابتهاج، ۱۳۸۹: ۸۱)

به طور کلی «زبان شعر سه لایه یا سه سطح دارد. در سطح رویی آن، صنایع بدیعی مانند جناس‌ها، تکرارها، سجع‌ها، واج‌آرایی و تکنیک‌های آوایی ظهور می‌کنند. در سطح میانی زبان شعر، مجازها، استعاره‌ها، کنایه‌ها، تشبیه‌ها، تمثیل‌ها، ایهام‌ها خودشان را نشان می‌دهند. هسته‌ی زبان معناست، منتها هر کدام از این دو لایه در تولید هسته نقش دارند. در واقع هسته چیزی مستقل از دو لایه نیست؛ در ادامه‌ی آن دو و مکمل آن‌هاست» (زرقانی، ۱۳۸۴: ۳۱). زبان غزل سعدی که به سادگی و روانی شهرت دارد، از ترکیب عواملی شکل گرفته است، عواملی هم‌چون وزن، قافیه، ردیف و برخی آرایه‌های ادبی مانند جناس، سجع، واج‌آرایی و... . به عبارت بهتر می‌توان گفت که هماهنگی میان سه لایه‌ی شعر سعدی است که در ایجاد این روانی موثر است. «سایه نیز با توجه به علاقه‌ی گسترده به زبان معیار و اعتدالی در ادب فارسی، در همه‌ی دوره‌های شعرگویی به خداوندان شعر ایران، یعنی سعدی و حافظ وابسته و پیوسته است» (عابدی، ۱۳۸۶: ۲۲۲).

همی خرامد و، عقلم به طبع می‌گوید نظر بدوز که آن بی‌نظیر می‌آید

(سعدی، ۱۳۷۸: ۶۰۸)

بیا که بار دگر گل به بار می‌آید بیار باده که بوی بهار می‌آید

(ابتهاج، ۱۳۸۹: ۳۹)

به عنوان مثال این ابیات هر دو در وزن عروضی مفاعلتن مفاعلتن مفاعلتن (بحر مجتث مثنی) مخبون محذوف) که جزء یکی از پر کاربردترین اوزان غزل در دیوان دو شاعر است، سروده شده است. ردیف‌های یکسان با قوافی متفاوت همراه با استفاده از آرایه‌ی جناس (زاید)، از ویژگی‌های ابیات مذکور است.

ایماژ و صورخیال در شعر سعدی آمیخته با طبیعت است. «رویدادها و پدیده‌های طبیعی یکی از منابع عمده‌ی تصویر تجسمی و حسی اوست» (عبادیان، ۱۳۷۲: ۱۲۴). شعر سعدی، شعر تشبیه‌های نا متعارف و استعاره‌های پیچیده نیست. شعر سایه نیز از این حیث تشابهاتی با شعر سعدی دارد. زبان شعر او از طبیعت بهره می‌گیرد و با مجموعه‌ای از واژه‌های غنایی، ترکیبی زیبا از عشق و محیط طبیعی می‌سازد.

در حوزه‌ی مضمون چنانکه پیش از این اشاره نمودیم، مضمون اصلی غزلیات سعدی عشق است، که باقی عناصر در پی آن می‌آیند، عناصری چون غم، فراق، وفا، وصال، دل، غیرت، حُسن و... . عشق مضمون عمده‌ی غزلیات سایه نیز به شمار می‌آید که عناصر پیرامونی آن در غزل‌های او غم، فراق، وصال، وفا، آزادی، حسرت و... است، که علی‌رغم وجود عناصر مشترک پیرامون مضمون عشق، چند عنصر متفاوت نیز دیده می‌شود. هر دو شاعر از عشق با مشببه‌های مختلف ترکیب می‌سازند. ترکیباتی چون بلای عشق، آتش، غم، راه و داغ عشق.

ای رفیق آنچ از بلای عشق بر من می‌رود
گر به ترک من نمی‌گویی، به ترک من بگویی
(سعدی، ۱۳۷۸: ۸۱۲)

کجا توان گریخت زین بلای عشق
که بر سر من از الست می‌رود.
(ابتهاج، ۱۳۸۹: ۲۱۰)

«آنچه خاص سعدی است همین غزل عاشقانه‌ی انسانی است که با او شکل یافت و به اوج رسید. سنتی که سعدی در این گونه غزل، که جوهر اصلی شعر غنایی است، پایه‌گذاری کرد نه تنها پس از او در شعر قدیم ما جلوه‌ی تازه‌ای نیافت بلکه هر روز کم مایه‌تر و بی‌رمق‌تر گردید. ادامه‌ی سالم این سنت عشق انسانی را پس از قرن‌ها تنها در شعر نو، آن هم در شعر دو سه تن از آنان می‌توان یافت» (موحد، ۱۳۷۸: ۹۳). ویژگی‌های مشترک شعر سعدی و برخی معاصران از جمله هوشنگ ابتهاج بود که ما را به انجام چنین پژوهشی ترغیب کرد. به راستی چه دلایلی سبب چنین شباهتی در فرم و محتوای غزل سعدی و سایه شده است؟ ما در این پژوهش در بررسی فرم، به وزن، قافیه، ردیف، آرایه‌ها، ترکیبات